

طرح مسأله

یکی از القاب امیرالمؤمنین علی (ع) که توسط رسول خدا (ص) به آن حضرت نسبت شده، لقب «يعسوب المؤمنین» است. این لقب با عنوان «يعسوب الدين» نیز از آن حضرت نقل شده است. در روایاتی که در منابع روایی اهل سنت و شیعه در باب «يعسوب المؤمنین» بودن علی (ع) نقل شده، به صورت ویژه بر روی تقابل میان دنیا طلبان و آخرت گریان و نشان دادن میزانی برای تشخیص این دو جبهه تأکید صورت گرفته است. آخرت گریان و به عبارت روشن‌تر، مؤمنان واقعی، شاخص و امیرشان علی (ع) است، به طوری که هرچه به او نزدیکتر شوند به درجه بالاتری از ایمان دست یافته‌اند. این به این معناست که هرکس از این شاخص فاصله بگیرد، به ورطه دنیا طلبی و ثروت اندوزی خواهد افتاد؛ لذا علی (ع) فرمود: «مال و ثروت يعسوب منافقان و کفار است» (نک: ابن عدی، ۵ / ۲۴۵ و ابن مردویه، ۶۴ و ابن عساکر، ۴۲ / ۴۰۴). در اینجا این سؤال مهم رخ نشان می‌دهد که انسان مؤمن چه ویژگی‌هایی دارد که به زنبور عسل تشبیه شده و امیر و جلودار او نیز «يعسوب» نام گرفته است؟ در ادامه قصد داریم تا برای تبیین معنای دقیق این لقب، ابتدا به بررسی آن از نگاه ارباب لغت پردازیم و سپس از دیگر روایات موجود در منابع روایی اهل سنت که به نوعی به توضیح این سخن رسول خدا (ص) پرداخته‌اند و نیز اقوال علمای بزرگ متقدم آن‌ها بهره بجویم. همچنین از آنجا که در مقام تبیین مفهوم «يعسوب المؤمنین» هستیم و نه اثبات صدور آن؛ لذا از روایات صادر از معصومین (علیهم السلام) که در منابع روایی شیعه نقل شده، نیز استفاده خواهیم نمود.

۱- بررسی لغوی واژه «يعسوب»

می‌توان ادعا کرد که ارباب لغت در مورد اصل واژه «يعسوب» اتفاق نظر دارند، اگرچه تعابیر آن‌ها مختلف است؛ تعابیری همچون: امیر زنبورهای عسل (خلیل بن احمد، ۱ / ۳۴۲ و ابن منظور، ۱ / ۵۹۹ و فیروزآبادی، ۱ / ۱۰۴ و طریحی، ۲ / ۱۲۱ و زبیدی، ۲ / ۲۳۲)، فحل زنبورهای عسل (خلیل بن احمد، ۱ / ۳۴۲ و ابن سلام، ۳ / ۴۳۹ و زبیدی، ۲ / ۲۳۲)، سید زنبورهای عسل (ابن سلام، ۳ / ۴۳۹ و طریحی، ۲ / ۱۲۱)، مَلِک زنبورهای عسل (جوهری، ۱ / ۱۸۱)، و رئیس زنبورهای عسل (فیروزآبادی، ۱ / ۱۰۴) معرفی شده است.

اما آنچه در بررسی لغوی این واژه اهمیت دارد، استعمال ثانوی آن در معنای امیر و رئیس یک قوم است. جوهری (م. ۳۹۳ق) در صحاح، پس از آنکه معنای اولیه يعسوب را بیان می‌دارد، به این نکته اشاره می‌کند که همانطور که به فرمانروای زنبورهای عسل «يعسوب» گفته می‌شود، به سید و آقای یک قوم هم «يعسوب» گفته می‌شود (نک: جوهری، ۱ / ۱۸۱). ابن منظور (م. ۷۱۱ق) به این

سید محمدرضا فقیه ایمانی^۱
مهدی ایزدی^۲

چکیده

«يعسوب الدين» و «يعسوب المؤمنین» دو مدال افتخار است که از سوی رسول خدا (ص)، به علی (ع) عطا شده است. چالش مهم درباره این لقب در دو مقام ثبوت معنا و اثبات اعتبار آن است. در مقام ثبوت معنا این سؤال اساسی وجود دارد که انسان مؤمن چه ویژگی‌هایی دارد که به زنبور عسل تشبیه شده و امیر او نیز «يعسوب» نام گرفته است؟ همچنین در مقام اثبات اعتبار، برخی از علمای اهل سنت منکر این فضیلت علی (ع) شده و آن را ساختگی برشمرده‌اند. در این مقاله برای اثبات صدور این لقب از جانب رسول خدا (ص)، روایات مربوطه در یک دسته‌بندی منطقی ارائه گردیده است. به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن مؤلفه‌های معنایی همچون: تقیه و حفظ اسرار، طهارت ظاهر و باطن، اطاعت از فرمان امیر، آزار نرساندن به دیگران، نافع بودن و برکت داشتن، می‌توان به درک بهتری از این لقب دست یافت.

کلید واژه‌ها: علی (ع)، يعسوب الدين، يعسوب المؤمنین، امیرالمؤمنین، تقیه، طهارت، اطاعت، آزار نرساندن، برکت

نکته تصریح می‌کند که معنای اصلی واژه «يعسوب»، امیر زنبورهای عسل است؛ اما در اثر کثرت استعمال به هر رئیسی «يعسوب» گفته می‌شود (نک: ابن منظور، ۱/ ۵۹۹). فیروز آبادی (م. ۸۱۷ق) نیز یکی از معانی «يعسوب» را «رئیس بزرگ» بر می‌شمرد (نک: فیروزآبادی، ۱/ ۱۰۴). طریحی (م. ۱۰۸۵ق) رفتار زنبورهای عسل در تبعیت از رهبرشان را آنقدر مثال زدنی و نمونه می‌داند که باعث شده به عنوان ضرب المثل به کار برود. وی در بیان علت این مسأله می‌نویسد: "وقتی امیر زنبورها، از کندو خارج می‌شود، تمام زنبورهای عسل وی را همراهی و تبعیت می‌کنند" (طریحی، ۲/ ۱۲۱). سپس به سخن پیامبر (ص) اشاره می‌کند که فرمود: "[یا علی] تو يعسوب مؤمنان هستی و مال و ثروت يعسوب ظالمان است" (نک: اسکافی، ۲۵۱ و ابن عدی جرجانی، ۴/ ۲۲۹ و ابو نعیم اصفهانی، ۱/ ۸۶) و می‌گوید: به همین دلیل است که به علی (ع)، «أمیر النحل» گفته می‌شود (طریحی، ۲/ ۱۲۱).

بررسی کتب لغت نشان می‌دهد که کاربرد این واژه در معنای دوم، در قرون اولیه اسلامی در حال رواج یافتن بوده و در آن زمان هر دو معنا به کار می‌رفته است؛ اما پس از گذشت مدتی و به سبب استعمال فراوان به صورت یک اسم علم درآمده است. بنابراین می‌توان گفت گرچه در کاربردهای روایی، عبارت «يعسوب المؤمنین» تعبیر دیگری از لقب: «أمیر المؤمنین» است؛ لکن باید توجه داشت با توجه به اینکه کاربرد اول، هنوز رائج بوده، این تعبیر خالی از لطائف دقیق و ظریف نیست و گویا رسول خدا (ص) به نوعی، جامعه ایمانی را به جامعه زنبور عسل تشبیه کرده‌اند. در قسمت-های آتی به برخی از این لطائف اشاره خواهیم کرد.

۲- دسته بندی روایات

برخی از علمای اهل سنت منکر این فضیلت علی (ع) شده و آن را ساختگی برشمرده‌اند. برای نمونه ابن جوزی (م. ۵۹۷ق) در العلل المتناهیه، حدیث: «علي يعسوب المؤمنین و المال يعسوب المنافقین» را غیر صحیح و جعلی می‌خواند (نک: ابن جوزی، ۱/ ۲۴۱). زرکشی (م. ۷۹۴ق) در اللآلیء المنثورة، حدیث «أمیر النحل علی» را جزء جملات شهرت یافته در میان مردم می‌داند (نک: زرکشی، ۱/ ۱۷۵) و سخاوی (م. ۹۰۲ق) در المقاصد الحسنه، آن را بدون اصل بر می‌شمرد (نک: سخاوی، ۱/ ۱۶۶). برای پاسخ به این تشکیکات به ارائه مستندات و گزارش‌های موجود در منابع روانی و تاریخی اهل سنت می‌پردازیم. این گزارش‌ها از سوی چند تن از صحابه و تابعین نقل شده که برای ارائه بهتر مطلب به دسته بندی این روایات می‌پردازیم:

۲-۱- روایت علی (ع) از رسول خدا (ص)

در روایتی که علی (ع) از رسول خدا (ص) نقل نموده، آمده است که رسول خدا (ص) درباره آن حضرت فرمود: "علي «يعسوب» مؤمنان است و مال و ثروت، «يعسوب» منافقان است" (ابن عدی، ۵/ ۲۴۵ و ابن مردویه، ۶۴ و ابن عساکر، ۴۲/ ۴۲ و سیوطی، ۲/ ۱۷۸ و ابن حجر هیتمی، ۱۲۵ و متقی هندی، ۱۱/ ۶۰۴). گفتنی است که در برخی از نقل‌ها به جای عبارت: «يعسوب منافقان» عبارت‌هایی مثل: «يعسوب ظالمان» (برای نمونه نک: اسکافی، ۲۵۱ و ابن عدی جرجانی، ۴/ ۲۲۹ و ابو نعیم اصفهانی، ۱/ ۸۶) و «يعسوب کافران» (برای نمونه نک: ابن عساکر، ۴۲/ ۴۲ و دمیری، ۲/ ۵۶۴) آمده است.

۲-۲- معرفی علی (ع) از زبان خود آن حضرت

أبو عبد الله جدلی نقل می‌کند که روزی به محضر أمیرالمؤمنین علی (ع) وارد شدم. دیدم که در مقابلش مقداری طلا ریخته است. گفتم: ای امیر مؤمنان! اینها چیست؟ حضرت پاسخ داد: این «يعسوب» منافقان است. من به حضرت عرض کردم: ای مولای من! منظورتان چیست؟ علی (ع) پاسخ داد: این چیزی است که منافقان به آن پناه می‌برند و با آن آرامش می‌یابند؛ همانطور که من ملجأ و آرامش بخش مؤمنانم" (زجاجی، ۱/ ۶). همین مضمون توسط أبي مسعر نیز نقل شده است (نک: ابو نعیم اصفهانی، ۱/ ۸۶). در روایتی دیگر عبایه ربیع، از علی (ع) نقل می‌کند که فرمود: "من «يعسوب» مؤمنانم و مال و ثروت، «يعسوب» ظالمان است" (ابو نعیم اصفهانی، ۱/ ۸۶). شایان ذکر است که در برخی از نقل‌های دیگر، قسمت دوم حدیث، یعنی: «يعسوب ظالمان»، به صورت‌های مختلف: «يعسوب ظالمان» (برای نمونه نک: اسکافی، ۲۵۱) و «يعسوب فجار» (برای نمونه نک: زمخشری، ۱/ ۴۲۰) و «يعسوب کفار» (برای نمونه نک: ابن اثیر، ۵/ ۲۹۸) نقل شده است.

۲-۳- روایات موسی بن جعفر از اجداد پاکش (علیهم السلام)

امام کاظم (ع) از اجداد پاکش (علیهم السلام) نقل می‌کند که رسول خدا (ص) خطاب به علی (ع) فرمود: "تو صدیق اکبر و فاروق هستی؛ فاروقی که میان حق و باطل جدایی ایجاد می‌کند. تو «يعسوب» مؤمنان هستی و مال و ثروت، «يعسوب» ظالمان است" (شجری جرجانی، ۱/ ۵۸).

۲-۴- روایت ابو رافع از جدش از ابوذر

در این روایت، ابو رافع از جدش و او نیز از ابوذر نقل می‌کند که گفته: "شنیدم رسول خدا (ص) به علی (ع) می‌گفت: تو اولین کسی هستی که به من ایمان آورد و مرا تصدیق کرد و تو اولین کسی هستی که در روز قیامت با من مصافحه خواهی کرد. تو صدیق اکبر و فاروق هستی؛ فاروقی که میان حق و باطل جدایی ایجاد می‌کند. تو «يعسوب» مؤمنان هستی و مال و ثروت، «يعسوب»

ظالمان است" (بزار، ۹/ ۳۴۲ و ابن مردویه، ۶۵ و ۶۶ و شجری جرجانی، ۱/ ۱۸۹ و ابن عساکر، ۴۲/ ۴۲ و ابن ابی الحدید، ۱۳/ ۲۲۸). در برخی از منابع نیز تنها این قسمت از کلام رسول خدا (ص) خطاب به علی (ع) نقل شده که: "تو صدیق اکبر و فاروق هستی؛ فاروقی که میان حق و باطل جدایی ایجاد می‌کند. تو «يعسوب» مؤمنانی" (نک: طبری، ۵۶).

۲-۵- روایت ابو سخيله از ابوذر و سلمان

«ابوسخيله» راوی دیگر این جریان است. وی از دو صحابی بزرگ پیامبر (ص) یعنی ابوذر و سلمان نقل می‌کند که رسول خدا (ص) دست علی (ع) را گرفت و فرمود: "همانا این فرد اولین کسی است که به من ایمان آورد و او اولین کسی خواهد بود که در روز قیامت با من مصافحه خواهد کرد. او صدیق اکبر و فاروق است؛ فاروقی که میان حق و باطل جدایی ایجاد می‌کند. او «يعسوب» مؤمنان و مال و ثروت، «يعسوب» ظالمان است (طبرانی، ۶/ ۲۶۹ و ابن عساکر، ۴۲/ ۴۱ و کنانی، ۱/ ۳۵۳ و مناوی، ۴/ ۳۵۸). برخی از علمای اهل سنت این ماجرا را با اندکی تفاوت نقل نموده‌اند (برای نمونه نک: بلاذری، ۱/ ۲۸۲ و متقی هندی، ۱۱/ ۶۱۶).

۲-۶- روایت ابو لیلی غفاری از رسول خدا (ص)

«ابو لیلی غفاری» یکی دیگر از صحابه رسول خدا (ص) است که از آن حضرت نقل می‌کند که فرمود: "بعد از من فتنه بزرگی پدید خواهد آمد؛ پس هرگاه چنین شد، بر شما باد که ملازم علی بن ابی طالب (ع) باشید؛ زیرا همانا او اولین کسی بود که به من ایمان آورد و او اولین کسی خواهد بود که در روز قیامت با من مصافحه خواهد کرد. او صدیق اکبر و فاروق این امت است. او «يعسوب» مؤمنان است و مال و ثروت، «يعسوب» منافقان است." (ابن حجر، ۷/ ۲۹۴).

۲-۷- روایت ابن عباس

در روایتی دیگر، هشدار نسبت به وقوع فتنه‌ای عظیم و دعوت به ملازمت با علی (ع) از زبان «ابن عباس» که یکی از صغار صحابه محسوب می‌شود، نقل شده است. وی در بیان علت دعوت به این ملازمت می‌گوید: "من از رسول خدا (ص) در حالی که دستان علی (ع) را گرفته بود، شنیدم که می‌فرمود: این فرد اولین کسی است که به من ایمان آورد و او اولین کسی خواهد بود که [در روز قیامت] با من مصافحه خواهد کرد. او فاروق این امت است؛ فاروقی که میان حق و باطل جدایی ایجاد می‌کند. او «يعسوب» مؤمنان است و مال و ثروت، «يعسوب» ظالمان است. او صدیق اکبر، خلیفه بعد از من و بابی است که باید از او وارد شد" (ابن مردویه، ۶۶ و ابن عساکر، ۴۲/ ۴۲).

۳- تحلیل معنایی با استفاده از خانواده حدیثی

تاکنون معنای لغوی واژه «يعسوب» و روایات و گزارش‌های تاریخی فراوانی که توسط علمای بزرگ اهل سنت نقل شده و در آن به صراحت، علی (ع)، «يعسوب المؤمنین» و «يعسوب الدین» نام گرفته بود، از نظر گذشت. در ادامه به برخی از مؤلفه‌های معنایی واژه «يعسوب» که می‌تواند تشبیه صورت گرفته میان جامعه انسانی و جامعه زنبور عسل را موجه نشان دهد، اشاره می‌کنیم:

۳-۱- تقیه و حفظ اسرار

تقیه از ارکان مذهب حقه امامیه و از ملازمات انسان مؤمن در شرایط حساس است تا آنجا که در متون اسلامی کسی که این امر را نپذیرد، بی دین معرفی شده است (نک: کلینی، ۲/ ۲۱۷). انسان مؤمن با این کار، نه تنها به ارزش‌های والای انسانی و الهی خود بی توجهی نمی‌کند؛ بلکه با زیرکی خود، موجبات تداوم مذهب حق شیعه را فراهم می‌آورد. در جوامع روایی اهل سنت و شیعه، روایاتی وجود دارد که انسان مؤمن را از این منظر با زنبور عسل مقایسه نموده است. در ادامه به چند دسته از این نوع روایات اشاره می‌کنیم:

۳-۱-۱- حدیث: «شیعتنا بمنزلة النحل»

امام صادق (ع) در سخنی خطاب به اصحاب خود می‌فرماید: "بخاطر حفظ دینتان تقیه کنید، و دینتان را با تقیه زیر پرده مخفی دارید؛ زیرا هرکس تقیه ندارد، ایمان ندارد. همانا شما در میان مردم، مانند زنبور عسل در میان پرندگانید" (برقی، ۱/ ۲۵۸ و کلینی، ۲/ ۲۱۸). آن حضرت سپس در مقام تبیین این تشبیه خود اضافه می‌کند: "اگر پرندگان بدانند، در درون زنبور عسل چیست، همه آنها را می‌خورند؛ به همین صورت، اگر مردم از آنچه در درون شماست - یعنی حب ما اهل بیت - مطلع شوند، با سعایت و سخن چینی آن قدر شما را آزار خواهند داد، تا بالآخره شما را ریشه کن و نابود نمایند" (برقی، ۱/ ۲۵۸ و کلینی، ۲/ ۲۱۸). گفتنی است ابن بابویه (م. ۳۸۱ق) در کتاب خصال، ضمن نقل حدیث اربعمئة امیرالمؤمنین (ع)، این قسمت از کلام آن حضرت را آورده که فرمود: "شیعیان مانند زنبور عسل هستند؛ اگر مردم از آنچه در درون آنهاست - یعنی حب ما اهل بیت - مطلع شوند، با سعایت و سخن چینی خود آنها را ریشه کن و نابود می‌کنند" (ابن بابویه، ۶۲۵).

از روایت فوق استفاده می‌شود که یکی از اسراری که مؤمن در شرایط خاص، مأمور به مخفی نمودن آن است، مذهب است؛ زیرا همواره یکی از مهمترین دغدغه‌های ائمه طاهرین (علیهم السلام)، حفظ شیعیان از خطر و بقای این صراط مستقیم تا قیام قیامت بوده است.

۳-۱-۲- حدیث: «کونوا في الناس كالنحلة»

امیرالمؤمنین علی (ع) به یاران و شیعیان خود می‌فرمود: "در میان مردم، مانند زنبور عسل در میان پرندگان دیگر باشید؛ زیرا هیچ پرنده‌ای نیست، مگر اینکه او را خوار و حقیر می‌شمرد. اما همین

پرندگان اگر از برکتی که در شکم زنبور عسل وجود دارد مطلع بودند، هرگز با او اینگونه رفتار نمی‌کردند و او را رها نمی‌ساختند (نعمانی، ۲۱۷ و مفید، ۱۳۱). آن حضرت سپس به یاران خود توصیه می‌کند که به گونه‌ای در میان مردم زندگی کنند که تنها بدن‌هایشان در میان آنها باشد و اعمال و قلب‌هایشان متأثر از آنها نباشد (نک: نعمانی، ۲۱۷ و مفید، ۱۳۱).

علامه مجلسی در تبیین مراد حضرت از امر به بودن مثل زنبور عسل می‌نویسد: «این فرمان امام، امر به تقیة است؛ یعنی مؤمنان نباید دین حقی که بر آن هستند - یعنی شیعه علی (ع) - را اظهار نمایند و باید مانند زنبور عسل آنچه را در درون دارند، پنهان نگه دارند و الا نابود می‌شوند» (مجلسی، ۵۲ / ۱۱۶). جالب توجه آنکه بسیاری از علمای بزرگ اهل سنت، این کلام حضرت خطاب به شیعیان را به طور کامل نقل نموده‌اند (برای نمونه نک: دارمی، ۹۲ / ۱ و ابن عساکر، ۴۲ / ۵۰۹ و زرنزدی، ۱۵۱ و ابن حجر هیتمی، ۱۳۰).

اما نوع دیگر تقیه، پنهان داشتن اسرار خاندان عترت و طهارت است. روایات متعددی وجود دارد که در آن، سخنان اهل بیت، «صعب مستعصب» نامیده شده است. در این گونه روایات به شیعیان توصیه شده که هر سخنی که از خاندان پیامبر (ص) به آنها رسید و دل‌هایشان در برابر آن آرامش یافت و آن را آشنا دید، بپذیرند و سخنی را که دلشان از آن رمید و ناآشنایش دید، به خدا و پیامبر و عالم آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) واگذارند (نک: کلینی، ۴۰۱ / ۱). همچنین به آنها توصیه شده تا حادثی را که در جمع‌های خصوصی و برای شیعیان خاص بیان شده، در سینه حفظ کرده و افشاء نمایند؛ زیرا اگر این سخن را برای غیر اهلش بازگو نمایند، از آنجا که پذیرش این سخن برای وی سنگین می‌نماید، آن را انکار می‌نماید؛ و به همین سبب از ولایت اهل بیت خارج شده و این امر موجبات کفر او را فراهم می‌آورد (نک: کلینی، ۲ / ۲۲۳). همچنین در روایات، از افشاء اسرار اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان قتل عمد ایشان یاد شده است (نک: برقی، ۲۵۶).

در برخی از روایات تفسیری که بیشتر جنبه تأویلی دارد، نیز ضمن اینکه در آن اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان نحل معرفی شده‌اند، به این نکته نیز اشاره شده که منظور از آنچه از شکم نحل خارج می‌شود، معارف توحیدی و علم سرشار خاندان نبوت است. برای نمونه در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی (م. ۳۲۹ق)، روایت مسندی از حریر بن عبد الله از امام صادق (ع) نقل شده که آن حضرت در تفسیر آیه: «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ» (النحل، ۶۸) فرمود: «ما نحل هستیم که خدای عزوجل بر او وحی کرد» (قمی، ۱ / ۳۸۷). سپس در بیان فراز بعدی آیه یعنی: «يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ» (النحل، ۶۹) فرمود: «منظور علمی است که از قبل ما به شما می‌رسد» (قمی، ۱ / ۳۸۷). مضمون همین روایت، در تفسیر عیاشی (م. ۳۲۰ق) - البته با اضافاتی -

از مسعدة بن صدقة از امام صادق (ع) نقل شده است (نک: عیاشی، ۲ / ۲۶۴). در میان علمای اهل سنت نیز، ابوالفرج اصفهانی (م. ۳۵۶ق) در الأغانی، به این مطلب در خلال بیان یک واقعه تاریخی اشاره کرده است (نک: ابوالفرج اصفهانی، ۳ / ۱۱۱). بنابراین انسان مؤمن وظیفه دارد که این معارف ناب را در سینه خود نگاه دارد و آن را به اهلش واگذارد. به عنوان مؤیدی بر ارتباط مؤلفه علم در معنای «يعسوب المؤمنین»، می‌توان به مواردی اشاره کرد که علی (ع) تحدی به پرسش می‌کند و می‌فرماید: «از من پرسید قبل از آنکه مرا از دست بدهید. به خدا سوگند، من به راه‌های آسمان عالم ترم تا به راه‌های زمین.» سپس بلافاصله بعد از این سخنان می‌فرماید: «أنا يعسوب المؤمنین» (برای نمونه نک: مجلسی، ۵۲ / ۲۷۲).

۳-۲- طهارت ظاهر و باطن

در منابع روانی فریقین، روایاتی با این مضمون به چشم می‌خورد که در آن، مؤمن به زنبور عسل تشبیه شده است. در منابع اهل سنت از رسول خدا (ص) نقل شده که آن حضرت در بیان وجه این تشبیه فرمود: «به این خاطر که هر دو تنها از طبیات تناول می‌نمایند و تنها محصولات طیب و طاهر تحویل می‌دهند» (نک: حاکم نیشابوری، ۱ / ۷۵ و رامهرمزی، ۶۷ و هیشمی، ۱۰ / ۲۹۵). برخی متن این روایت را به عبد الله بن عمرو عاص منسوب دانسته و از وی نقل کرده‌اند (نک: ابن ابی شیبۀ، ۸ / ۱۴۱ و بیهقی، ۵ / ۵۸). اما در میان روایات شیعه، روایتی از امام صادق (ع) وارد شده که آن حضرت از اجداد طاهرنش نقل می‌کند که رسول خدا (ص) مؤمنان را از کشتن چند حیوان منع فرموده بود که یکی از آنها زنبور عسل است. سپس در بیان وجه این منع در مورد زنبور عسل فرمود: «... اما منع از کشتن زنبور عسل، به این خاطر است که او جز از طبیات تناول نمی‌کند و از او نیز چیزی جز طیب و پاک خارج نمی‌شود و او همان موجودی است که خدای عزوجل بر او وحی فرموده است (ابن بابویه، ۳۲۷ و حر عاملی، ۸ / ۲۷). نکته محوری این دسته از روایات آن است که انسان مؤمن همان گونه که زنبور عسل از چیزهای آلوده، دوری می‌کند؛ از گناهان و پیلیدی‌ها و آلودگی‌های جسمی و روحی اجتناب می‌ورزد.

همان طور که قبلاً نیز بیان شد، يعسوب، امیر زنبورهای عسل است و از همه آنها نیز با درایت‌تر. وی بر در کندو ایستاده و دهان هر زنبور عسلی که می‌خواهد وارد کندو شود را می‌بوید. چنانکه از دهان آن زنبور بوی بدی استشمام کند، متوجه می‌شود که از گیاه بدی تغذیه کرده؛ لذا او را به دو نیم کرده و جسدش را بر در کندو می‌اندازد تا موجب عبرت برای دیگران گردد. سبط ابن جوزی در تذکرة الخواص در بیان وجه تسمیة امیرالمؤمنین به يعسوب المؤمنین ضمن اشاره به همین لطیفه می‌نویسد: «علی (ع) نیز بر در بهشت می‌ایستد و دهان همه مردم را می‌بوید. پس هرکس به اندازه

ذره‌ای رانحه بغض علی (ع) از دهانش به مشام برسد، علی (ع) وی را در آتش می اندازد (سبط ابن جوزی، ۴ و ۵).

۳-۳- اطاعت از فرمان امیر

یکی از وجوه تشابه میان زنبور عسل و انسان مؤمن، این است که هر دو مطیع و منقاد امیر و فرمانده خود هستند (نک: ابن اثیر، ۵ / ۳۰). زنبور عسل، آنچه را که دوست دارد، انجام نمی دهد؛ بلکه در سطح کلان طبق فرمان خالق خویش و در سطح حیات اجتماعی طبق فرمان امیر کند و عمل می کند. قرآن کریم، زنبور عسل را مطیع امر پروردگارش معرفی می کند به طوری که دقیقاً طبق آنچه به او فرمان داده شده مراحل تولید عسل را طی می کند (نک: النحل، ۶۸ - ۶۹). از سوی دیگر و در سطح حیات اجتماعی، زنبورهای عسل در کندو تحت فرمان امیری قرار دارند که يعسوب نامیده می شود. عادت زنبورهای عسل این است که هرگز بدون يعسوب خود از کندو خارج نمی شوند و هنگام بازگشت نیز به همراه او و پشت سر او حرکت می کنند. يعسوب در میان آنها کاملاً مطاع است و آنها هرگز از دستورات او سرپیچی نمی کنند (نک: دمیری، ۲ / ۵۶۵). در مقابل، يعسوب نیز وظیفه دارد تا از زنبورهای عسل حمایت کرده و تدبیر امور آنها را بر عهده بگیرد. جایگاه او در نظام اجتماعی زنبورهای عسل بقدری کلیدی و محوری است که اگر از میان برود، نظام کندو مختل شده و همه چیز به هم می ریزد (نک: طبرسی، ۶ / ۱۷۷ و فیض کاشانی، ۳ / ۱۴۴). علی (ع) برای بیان جایگاه خود در میان مؤمنین، از گویاترین تشبیه‌ها استفاده کرده و خود را يعسوب المؤمنین نامیده است. دمیری در حیاة الحیوان پس از توضیح واژه يعسوب، به روایت پیامبر (ص) اشاره می کند که در آن علی (ع) از سوی ایشان يعسوب المؤمنین خوانده می شود. سپس می نویسد: "معنای این عبارت آن است پناه مؤمنان و الگو و اسوه آنها علی (ع) است. از همین روست که به علی (ع) امیر النحل نیز گفته شده است" (دمیری، ۲ / ۵۶۵). شریف رضی نیز در شرح کلام حضرت در نهج البلاغه به مسأله تبعیت مؤمنان از امیر خود اشاره می کند (شریف رضی (به کوشش دشتی)، حکمت ۳۱۶). انسان مؤمن، امیال نفسانی خود را امیر خود قرار نمی دهد، بلکه مطیع فرمان امیر المؤمنین است.

۳-۴- آزار نرساندن به دیگران

یکی از ویژگی‌های زنبور عسل بی آزار بودن است. این حیوان فقط در مواقع خطر، آن هم برای دفاع از خود، نیش می زند. از جمله مشابَهت‌های میان زنبور عسل و انسان مؤمن نیز، همین کم آزار بودن اوست (نک: ابن اثیر، ۵ / ۳۰). فرد باایمان به گونه‌ای است که مردم از دست و زبان او در امانند. او ظالم و درصدد آزار رساندن به دیگران نیست؛ بلکه تنها در شرایطی که ایجاب می کند، از

خود دفاع می نماید. امام صادق (ع) در بیان ویژگی‌های انسان مؤمن، می فرماید: مؤمن کسی است که مردم از شر او در امانند و او با مردم با انصاف رفتار می کند (کلینی، ۲ / ۲۳۵).

۳-۵- نافع بودن و برکت داشتن

زنبور عسل با تولید عسل، به انسان‌ها خیر فراوان می‌رساند. در مبحث تقیة به روایتی از امیر المؤمنین علی (ع) اشاره شد. در این قسمت نیز قصد داریم به این روایت از منظر دیگری توجه کنیم. علی (ع) به یاران و شیعیان خود فرمود: "در میان مردم، مانند زنبور عسل در میان پرندگان دیگر باشید؛ زیرا هیچ پرنده‌ای نیست، مگر اینکه او را خوار و حقیر می‌شمرد. اما همین پرندگان اگر از برکتی که در شکم زنبور عسل وجود دارد مطلع بودند، هرگز با او اینگونه رفتار نمی‌کردند و او را رها نمی‌ساختند" (نعمانی، ۲۱۷ و مفید، ۱۳۱). در این روایت، در مورد آنچه در درون شکم زنبور عسل است، تعبیر به برکت شده است. از سوی دیگر گفته شده که زنبور عسل در نگاه ظاهری پرندگان، موجودی حقیر و بی‌مایه جلوه می‌کند. انسان مؤمن نیز وجودش برای جامعه پر از خیر و برکت است و بسیاری از بلاها، به برکت وجود او از اهل معصیت برداشته می‌شود (نک: کلینی، ۱ / ۵۲۸)؛ اما معمولاً این انسان‌ها، در میان افراد جامعه، افرادی حقیر به حساب می‌آیند و مردم قدر و منزلت آنها را نمی‌شناسند. علی (ع) در خطبه‌ای که به نام «متقین» مشهور است، برخی از صفات اهل تقوا را برمی‌شمرد. از جمله می‌فرماید: "پرهیزکاران در روز، دانشمندانی بردبار و نیکوکارانی با تقوا هستند که ترس الهی آنان را چونان تیر تراشیده، لاغر کرده است. کسی که به آنها می‌نگردد، گمان می‌کند که بیمارند؛ اما آنان بیمار نیستند. در مورد آنها می‌گوید: چقدر آشفته‌اند! در صورتی که آشفستگی ظاهریشان، نشان از امر بزرگی است (شریف رضی، خطبه ۱۹۳).

۴- تحلیل معنایی با استفاده از دیگر روایات مرتبط

در این قسمت به روایات نظیری اشاره می‌شود که اگرچه در آن به صورت مستقیم به زنبور عسل اشاره نشده و جزء خانواده حدیثی محسوب نمی‌شوند؛ اما تحلیل معنایی این گونه روایات، به طور غیر مستقیم، ما را در فهم بهتر و عمیق‌تر احادیث مورد بحث یاری خواهد نمود.

۴-۱- «أنت أمير المؤمنين» و «الحق مع علی و علی مع الحق»

در ابتدای کلام به میزان اعتبار این دو حدیث در کتب اهل سنت می‌پردازیم. اطلاق لقب «امیر المؤمنین» بر علی (ع) در زمان رسول خدا (ص) و توسط خود آن حضرت صورت گرفته و این فضیلت بزرگ تنها به ایشان اختصاص دارد. روایات متعددی در کتب معتبر اهل سنت وجود دارد که این حقیقت را ثابت می‌کند. برای نمونه در روایتی از بریده‌ا سلمی نقل شده که گفته: "رسول خدا (ص) به ما فرمان داد که هرگاه می‌خواهیم به علی (ع) سلام دهیم، بگوییم: «السلام

عليك يا أمير المؤمنين ورحمة الله وبركاته» (ابن عساکر، ۴۲ / ۳۰۳). همو از خلیفه دوم نقل می‌کند که در شأن علی (ع) گفت: «این علی بن ابی طالب است. من خود شاهد بودم که رسول خدا (ص) می‌فرمود: اگر آسمان‌های هفتگانه و هفت طبقه زمین را در یک کفه ترازو و ایمان علی (ع) را نیز در کفه دیگر قرار دهند، به راستی ایمان علی (ع) سنگینی خواهد کرد» (ابن عساکر، ۴۲ / ۳۴۱). از شواهد مهم دیگری که می‌توان برای تسمیه آن حضرت به «امیرالمؤمنین» یاد کرد، این جمله معروف «ما أنزل الله آية فيها: (يا أيها الذين آمنوا) إلا و علي أميرها» است که توسط چند تن از صحابه رسول خدا (ص) و تابعین آن حضرت با عبارات‌های گوناگون نقل گردیده است (برای نمونه نک: ابن ابی حاتم رازی، ۱ / ۱۹۶ و ۳ / ۷۱۸ و ۵ / ۱۶۶۹ و طبرانی، ۱۱ / ۲۱۱ و حسکانی، ۱ / ۳۰ و ۶۴ و ۶۷ و ۶۸ و ابو نعیم اصفهانی، ۱ / ۶۴ و ابن عساکر، ۴۲ / ۳۶۳). همچنین هیچ مدرکی دال بر اطلاق این لقب در زمان حیات رسول خدا (ص) بر خلفای سه گانه اهل سنت وجود ندارد. ابن خلدون (م. ۸۰۸ق) در مقدمه تاریخش، تسمیه خلیفه با نام «امیرالمؤمنین» را از مستحدثات بوجود آمده در دوران خلفاء می‌داند (نک: ابن خلدون، بی‌تا: ج ۱ / ص ۲۲۷). ابن حجر (م. ۸۵۲ق) در فتح الباری و عینی (م. ۸۵۵ق) در عمدة القاری بر این مطلب تصریح دارند که اولین کسی که با عنوان «امیرالمؤمنین» خوانده شد، عمر بود و پیش از آن ابوبکر با عنوان خلیفه رسول خدا (ص) در میان مردم شهرت داشت (نک: ابن حجر، ۷ / ۲۸۵ و عینی، ۱۷ / ۱۶۰). اما درباره اعتبار حدیث دوم گفتنی است این عبارت، سخن مشهوری از رسول خدا (ص) است که آن را در حق علی (ع) فرمود. علمای بزرگ اهل سنت با عبارات مختلف این روایت را نقل کرده‌اند (برای نمونه نک: خطیب بغدادی، ۱۴ / ۳۲۲ و ابن عساکر، ۴۲ / ۴۴۹ و ابن مغازلی، ۱۱۹ و ابن ابی الحدید، ۲ / ۲۹۷ و هیثمی، ۷ / ۲۳۵ و فخر رازی، ۱ / ۲۰۵). ابن ابی الحدید، در شرح حکمت ۳۲۲ نهج البلاغه که در آن امیرالمؤمنین (ع) خود را «يعسوب المؤمنین» معرفی می‌نماید، اظهار می‌دارد که این لقبی است که رسول خدا (ص)، علی (ع) را با آن مورد خطاب قرار داد؛ گاهی با لفظ «يعسوب الدین» و گاهی با لفظ «يعسوب المؤمنین» (نک: ابن ابی الحدید، ۱۹ / ۲۲۴). سپس بنا بر هر کدام از این الفاظ، معنایی را ارائه می‌دهد. وی معتقد است که حضرت با خطاب قرار دادن علی (ع) با لقب «يعسوب المؤمنین» گویی او را به عنوان رئیس و آقای مؤمنان معرفی نموده است (نک: ابن ابی الحدید، ۱۹ / ۲۲۴). به عبارت دیگر ابن ابی الحدید، «يعسوب المؤمنین» را تعبیر دیگری از لقب «امیرالمؤمنین» می‌داند. اما از نگاه او، عبارت «يعسوب الدین» حامل این معناست که رسول خدا (ص) دین را تابع علی (ع) دانسته که به دنبال او حرکت می‌کند، آنگونه که زنبور عسل به دنبال امیر خود حرکت می‌کند و این همان معنای داعی است که رسول

خدا (ص) در حق علی (ع) نمود که: «خدایا هر کجا علی (ع) هست، حق را همان جا قرار ده.» (نک: ابن ابی الحدید، ۱۹ / ۲۲۴).

۴-۲- «لا یحبک إلا مؤمن ولا یبغضک إلا منافق» و «أنا قسیم النار و الجنة»

بسیاری از علمای بزرگ اهل سنت این دو حدیث را در کتب خود نقل نموده‌اند. برای نمونه احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق) در مسند خود و ترمذی (م. ۲۷۹ق) و نسائی (م. ۳۰۳ق) در سنن خود، این سخن رسول خدا (ص) خطاب به علی (ع) را نقل کرده‌اند که فرمود: «ای علی تو را جز انسان مؤمن دوست نمی‌دارد و هرکس بغض تو را در دل داشته باشد، منافق است» (ابن حنبل، ۱ / ۹۵ و ترمذی، ۵ / ۳۰۶ و نسائی، ۸ / ۱۱۶) و اما کلام علی (ع) که فرمود: «من تقسیم کننده آتشم» را بزرگانی همچون ابن قتیبه دینوری (م. ۲۷۶ق) در غریب الحدیث، جرجانی (م. قرن ۵) در أمالی، ابن کثیر (م. ۷۷۴ق) در البداية و النهایة نقل نموده‌اند (نک: دینوری، ۱ / ۳۷۷ و جرجانی، ۱ / ۱۷۷ و ابن کثیر، ۴ / ۶۱).

حال که از اعتبار این احادیث در کتب اهل سنت اطمینان یافتیم، به سراغ موضوع اصلی بحث می‌رویم. در بخش (۳-۲) که به طهارت ظاهری و باطنی مؤمن به عنوان یکی از مشابهت‌های او با زنبور عسل اشاره کردیم، کلام لطیفی از سبط ابن جوزی، در بیان وجه تسمیه امیرالمؤمنین به «يعسوب المؤمنین» را ذکر کردیم که در اینجا نیز به فراخور حال دوباره آن را متذکر می‌شویم. وی می‌نویسد: «علی (ع) بر در بهشت می‌ایستد و دهان همه مردم را می‌بوید. پس هرکس به اندازه ذره- ای رانحه بغض علی (ع) از دهانش به مشام برسد، علی (ع) وی را در آتش می‌اندازد (سبط ابن جوزی، بی‌تا: صص ۴ و ۵). با این تبیین، ارتباط وثیقی میان معنای این لقب و معنای دو حدیث مذکور آشکار می‌گردد؛ زیرا حداقل معنایی که از عبارت «أنا قسیم الجنة و النار» برداشت می‌شود، همین معنایی است که سبط ابن جوزی به آن اشاره نمود. مؤید این معنا روایتی است که محمد بن منصور طوسی از أحمد بن حنبل نقل می‌کند. وی در پاسخ به فردی که از معنای قسیم النار و الجنة بودن علی (ع) سؤال می‌نمود، گفت: «آیا این سخن رسول خدا (ص) را نشنیده‌ای که فرمود: ای علی تو را جز انسان مؤمن دوست نمی‌دارد و هرکس بغض تو را در دل داشته باشد، منافق است؟ محمد می‌گوید: آن شخص و ما که در نزد احمد بودیم همگی گفتیم: آری شنیده‌ایم. ابن حنبل گفت: جایگاه مؤمن کجاست؟ پاسخ دادیم: بهشت. احمد دوباره پرسید: جایگاه منافق کجاست؟ ما جواب دادیم: آتش. احمد گفت: پس علی تقسیم کننده بهشت و آتش در میان بندگان است» (جرجانی، ۱ / ۱۷۷). به عنوان کلام آخر در این بخش به سخن آلوسی اشاره می‌کنیم که در تبیین معنای قسیم النار و الجنة می‌نویسد: «مراد علی (ع) از این سخن که گفت: «أنا قسیم النار و الجنة»

این است که مردم در این امت دو گروهند: گروهی با من هستند؛ اینان هدایت یافته‌اند و گروهی هم علیه من هستند؛ اینان گمراه شدگانند. پس گروهی با من در بهشت هستند و گروهی نیز در آتشند (آلوسی، ۳۰ / ۱۱۹).

۵- سبب صدور این لقب از جانب رسول خدا (ص)

در کتاب «تاریخ المستبصر» سبب صدور جالبی به نقل از عیسی بن ابی البرکات برای این تسمیه ذکر شده است. ماجرا از این قرار است که در زمان جاهلیت قبیله «بنی سلیم» تعداد بسیار زیادی زنبور عسل داشتند و زمانی که دشمن به آنها حمله می‌کرد، در کندوهای آنها دود ایجاد می‌کردند. در این هنگام زنبورهای عسل بیرون می‌آمدند و توده عظیم سیاه رنگی شبیه ابر، بر سر دشمن پدید می‌آوردند و دشمن که از مشاهده آنها ترسیده بود، فرار می‌کرد. بنی سلیم با این شیوه بر تمامی دشمنان خود پیروز شده بودند تا اینکه خدای متعال، اسلام را به وسیله پیامبرش علنی کرد. بنی سلیم طبق عادتشان همان کار را برای مقابله با لشکریان رسول خدا (ص) انجام دادند. زمانی که زنبورها به سمت لشکریان اسلام حرکت کردند، رسول خدا صدا زد: کجاست «يعسوب الدين»؟ کسی پاسخ حضرت را نداد. حضرت دوباره صدا زد: کجاست «أمیر نحل»؟ باز کسی پاسخ نداد. در این هنگام رسول خدا (ص) فرمود: کجاست علی بن ابی طالب؟ وقتی علی (ع) این ندای رسول خدا (ص) را شنید، شمشیر ذوالفقارش را برداشت و به سمت زنبورها حمله ور شد. زنبورها بازگشتند و به سمت بنی سلیم رفته و آنها را نیش زدند. لذا بنی سلیم مجبور به فرار شدند. به این صورت بود که خدای متعال بلندی‌های بنی سلیم را توسط علی (ع) فتح کرد. پس از فتح و پیروزی اصحاب از رسول خدا (ص) پرسیدند: ای رسول خدا! چرا علی (ع) را يعسوب نامیدی و حال آنکه يعسوب مربوط به زنبور عسل است؟! حضرت در پاسخ، فرمود: مؤمن همانند زنبور عسل است؛ جز از پاکی‌ها تناول نمی‌کند و از او نیز چیزی جز طیب و پاک خارج نمی‌شود (شیبانی، ۶ / ۱).
ابن ابی البرکات در پایان می‌گوید: از همین زمان و به خاطر این واقعه بود که علی (ع) «يعسوب الدين» و «أمیر النحل» لقب گرفت (شیبانی، ۶ / ۱).

نتایج مقاله

«يعسوب» در لغت به معنای امیر زنبورهای عسل است و به طور مجازی بر رئیس هر قوم نیز اطلاق می‌شود.

در کلام رسول خدا (ص) دو تعبیر «يعسوب الدين» و «يعسوب المؤمنین» بر علی (ع) اطلاق شده است.

«يعسوب الدين» حامل این معناست که رسول خدا (ص) دین را تابع علی (ع) دانسته که به دنبال او حرکت می‌کند، آنگونه که زنبور عسل به دنبال امیر خود حرکت می‌کند و این همان معنای دعایی است که رسول خدا (ص) در حق علی (ع) نمود که: «خدایا هر کجا علی (ع) هست، حق را همان جا قرار ده.

رسول خدا (ص) با خطاب قرار دادن علی (ع) با لقب «يعسوب المؤمنین» او را به عنوان رئیس و آقای مؤمنان معرفی نموده است. به عبارت دیگر «يعسوب المؤمنین» تعبیر دیگری از لقب «أمیر المؤمنین» است.

در روایات انسان مؤمن به زنبور عسل تشبیه شده است. در این تشبیه می‌توان به چند مؤلفه معنایی به عنوان وجه تشابه اشاره نمود؛ مانند: تقیه و حفظ اسرار، طهارت ظاهر و باطن، اطاعت از فرمان امیر، آزار نرساندن به دیگران، نافع بودن و برکت داشتن.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن ابی الحدید، عبد الحمید، شرح نهج البلاغة، قاهره: دار إحياء الكتب العربية، ۱۳۷۸ق.
- ۳- ابن ابی حاتم رازی، عبد الرحمن، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۴ق.
- ۴- ابن ابی شیبہ، عبد الله، المصنف، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
- ۵- ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية في غريب الحديث والأثر، قم: مؤسسة إسماعيليان، ۱۳۶۴ش.
- ۶- ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۳ق.
- ۷- ابن جوزي، عبد الرحمن، العلل المتناهية في الأحاديث الواهية، بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۰۳ق.
- ۸- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، بیروت: دار المعرفة، بی‌تا.
- ۹- همو، الإصابة فی تمییز الصحابة، بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ق.
- ۱۰- ابن حجر هیتمی، أحمد بن محمد، الصواعق المحرقة، بیروت: دار النشر، ۱۳۸۵ق.
- ۱۱- ابن خلدون، عبد الرحمن، تاریخ ابن خلدون، بیروت: دار إحياء التراث العربي، بی‌تا.
- ۱۲- ابن سلام، قاسم، غریب الحديث، بیروت: دار الكتاب العربي، ۱۳۸۴ق.
- ۱۳- ابن عدی جرجانی، عبد الله، الكامل في ضعفاء الرجال، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
- ۱۴- ابن عساکر، علي بن الحسن، تاریخ مدينة دمشق، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
- ۱۵- ابن قتیبة دینوری، عبد الله، غریب الحديث، قم: دار الكتب العلمية، ۱۴۰۸ق.
- ۱۶- ابن کثیر، اسماعیل، البداية والنهاية، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۸ق.
- ۱۷- ابن مجاور شیبانی، یوسف بن یعقوب، تاریخ المستبصر، بی‌جا، دار النشر، بی‌تا.
- ۱۸- ابن مردویه اصفهانی، أحمد بن موسی، مناقب علي بن أبي طالب (ع)، قم: دار الحديث، ۱۴۲۴ق.

- ۱۹- ابن مغزلی، علی بن محمد، مناقب علی بن ابی طالب (ع)، انتشارات سبط النبی (ص)، ۱۴۲۶ق.
- ۲۰- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم: نشر أدب الحوزة، ۱۴۰۵ق.
- ۲۱- ابو الفرج اصفهانی، الأغانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۲۲- اصفهانی، أبو نعیم أحمد بن عبد الله، معرفة الصحابة، بیروت: دار النشر، بی تا.
- ۲۳- ابن حنبل، أحمد، مسند أحمد، بیروت: دار صادر، بی تا.
- ۲۴- اسکافی، محمد بن عبد الله، المعیار والموازنة، بی جا، بی تا، ۱۴۰۲ق.
- ۲۵- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ۲۶- برقی، أحمد بن محمد، المحاسن، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۰ق.
- ۲۷- بزار، أحمد بن عمرو، مسند بزار، بیروت: مؤسسة علوم القرآن، ۱۴۰۹ق.
- ۲۸- بلاذری، أحمد بن یحیی، أنساب الأشراف، مصر: دار المعارف، ۱۹۵۹م.
- ۲۹- بیهقی، أحمد بن حسین، شعب الإیمان، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
- ۳۰- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۳ق.
- ۳۱- جری جرجانی، یحیی بن حسین، الأمالی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- ۳۲- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
- ۳۳- حاکم حسکانی، عبید الله بن أحمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
- ۳۴- حاکم نیشابوری، ابو عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دار المعرفة، بی تا.
- ۳۵- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
- ۳۶- همو، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (ع)، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه، ۱۴۱۲ق.
- ۳۷- خطیب بغدادی، أحمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
- ۳۸- دارمی، عبد الله، سنن دارمی، دمشق: مطبعة الاعتدال، ۱۳۴۹ق.
- ۳۹- دمیری، کمال الدین، حیاة الحیوان الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
- ۴۰- رامهرمزی، حسن بن عبد الرحمن، أمثال الحدیث المرویه عن النبی (ص)، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیة، ۱۴۰۹ق.
- ۴۱- زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
- ۴۲- زجاجی، عبد الرحمن، أمالی زجاجی، بی جا، بی تا، بی تا.
- ۴۳- زکشی، محمد بن عبد الله، اللآلی المنثورة فی الأحادیث المشهورة، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق.
- ۴۴- زرنندی حنفی، محمد بن یوسف، نظم درر السمطین، بی جا، بی تا، ۱۳۷۷ق.
- ۴۵- زمخشری، محمود بن عمر، ربیع الأبرار و نصوص الأخبار، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۱۲ق.
- ۴۶- سبط ابن جوزی، یوسف، تذکرة الخواص، تهران: مکتبه نینوا الحدیث، بی تا.
- ۴۷- سخاوی، محمد بن عبد الرحمن، المقاصد الحسنه فی بیان کثیر من الأحادیث المشتهرة علی الألسنة، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۵ق.
- ۴۸- سیوطی، عبد الرحمن، الجامع الصغیر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۱ق.
- ۴۹- شجری جرجانی، یحیی بن حسین، الأمالی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- ۵۰- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه به کوشش محمد دشتی، قم: منشور وحی، ۱۳۷۹ش.
- ۵۱- طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الکبیر، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- ۵۲- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
- ۵۳- طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۲ش.
- ۵۴- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: مکتبه العلمیه الإسلامیه، بی تا.
- ۵۵- عینی، محمود بن أحمد، عمدة القاری، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- ۵۶- فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بی جا، بی تا، بی تا.
- ۵۷- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.
- ۵۸- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بی جا، بی تا، بی تا.
- ۵۹- فیض کاشانی، محسن، التفسیر الصافی، قم: مؤسسه الهادی، ۱۴۱۶ق.
- ۶۰- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: مؤسسه دار الکتب، ۱۴۰۴ق.
- ۶۱- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۳ش.
- ۶۲- کنانی، علی بن محمد، تنزیه الشریعة المرفوعة، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۳۹۹ق.
- ۶۳- متقی هندی، علی، کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
- ۶۴- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- ۶۵- محب طبری، أحمد، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، قاهرة: مکتبه القدسی، ۱۳۵۶ق.
- ۶۶- مفید، محمد بن نعمان، الأمالی، بیروت: دار المفید، ۱۴۱۴ق.
- ۶۷- مناوی، عبد الرؤوف، فیض القدير، مصر: المکتبه التجاریة الکبری، ۱۳۵۶ق.
- ۶۸- نسائی، أحمد بن شعيب، السنن الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
- ۶۹- نعمانی، ابن ابی زینب، الغیبة، قم: مهر، ۱۴۲۲ق.
- ۷۰- هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.